

فیروزہ و فرهنگ

عمران کاراژیان، استادیار دانشگاه نیشابور
فرزانه لطفی قرائی، کارشناس ارشد باستان‌شناسی

نشر حکمت کلمه

سرشناسه : کاراژیان، عمران، ۱۳۴۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : فیروزه و فرهنگ / عمران کاراژیان، فرزانه لطفی قرائی.
 مشخصات نشر : تهران: حکمت کلمه، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص.: مصور، نمودار.
 شاپک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۹۲-۰-۳-
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : واژه نامه.
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۳۲ - ۱۴۴.
 موضوع : فیروزه
 موضوع : سنگ های قیمتی - ایران
 شناسه افزوده : لطفی قرائی، فرزانه، ۱۳۶۷ -
 رده بندی کنگره : ۷۵۵TS / ف ۹ گ ۲ ۱۳۹۴
 رده بندی دیویی : ۸۷/۵۵۳
 شماره کتاب شناسی ملی : ۳۹۶۲۷۲۰

فهرست

۱۱	 مقدمه
۱۵	 پیشگفتار
۱۹	 فصل اول: کلیات
۲۱	 بخش اول: فیروزه، اسان و فرهنگ
۲۶	 بخش دوم: معرفی روش
۲۶	 چندروشی، چندمقیاسی
۲۷	 طبیعی و فرهنگی
۲۸	 بافت مرده (ایستا) بافت زنده (پویا)
۳۱	 فصل دوم: باستان‌شناسی فیروزه
۳۳	 بخش اول: فیروزه در فرهنگ معاصر تا آغاز دوران اسلامی
۳۳	 پسااستعمار و استعمار: پهلوی، قاجار
۴۰	 پسااستعمار: دوره‌ی صفوی، تشیع و پیش از آن
۴۳	 برآیند بخش اول
۴۴	 بخش دوم: فیروزه در دوران تاریخی
۴۵	 برآیند بخش دوم
۴۶	 بخش سوم: فیروزه در پیش‌ازتاریخ
۴۶	 نوسنگی، مس‌سنگی، فرهنگ روستانشین: پیش از عصر مفرغ
۴۹	 عصر مفرغ
۵۱	 برآیند بخش سوم
۵۳	 فصل سوم: شکل‌گیری، منابع و انواع فیروزه
۵۵	 بخش اول: شکل‌گیری فیروزه و زمین‌شناسی
۶۰	 برآیند بخش اول
۶۰	 بخش دوم: منابع فیروزه
۶۰	 معادن فیروزه در ایران
۶۱	 منطقه‌ی شمال شرق
۶۳	 فلات مرکزی ایران
۶۵	 منطقه‌ی شمال غرب ایران
۶۵	 منطقه‌ی جنوب غرب ایران
۶۶	 برآیند بخش دوم
۶۷	 بخش سوم: انواع فیروزه

۶۷	تقسیم‌بندی فیروزه از لحاظ طرح و شکل ظاهری
۶۷	۱. فیروزه‌ی عجمی
۶۸	۲. فیروزه‌ی شجری
۶۹	تقسیم‌بندی فیروزه از لحاظ رنگ
۷۰	تقسیم‌بندی به‌لحاظ کیفیت و ارزش اقتصادی سنگ خام فیروزه
۷۰	۱. فیروزه‌ی عجمی
۷۰	۲. جفاله
۷۰	۳. سنگ رگه‌دار
۷۲	۴. توغال
۷۲	۵. شکوفه و خزامه
۷۲	تقسیم‌بندی براساس معدن استخراج فیروزه
۷۴	انواع فیروزه از نظر نوع ذخیره
۷۴	برآیند بخش سوم
۷۷	فصل چهارم: معدن‌کاوی، فراوری، فناوری تراش
۸۰	بخش اول: معدن‌کاوی
۸۵	برآیند و پیشنهادهای بخش اول
۸۵	بخش دوم: فراوری
۸۷	برآیند و پیشنهادهای بخش دوم
۸۸	بخش سوم: فناوری تراش
۹۰	مراحل تراش فیروزه
۹۴	اشکال فیروزه‌ی تراشیده
۹۵	فیروزه‌کوبی
۹۶	برآیند و پیشنهادهای بخش سوم
۹۷	فصل پنجم: مبادلات فیروزه، برهمکنش‌های فرهنگی اجتماعی براساس نظریه‌ی شبکه و انسان‌شناسی فیروزه
۹۹	بخش اول: مبادلات فیروزه
۱۰۰	مبادلات فیروزه در پیش از تاریخ
۱۰۲	مدل پیشنهادی مبادلات فیروزه در دوره‌های نوسنگی و مس‌سنگی (فرهنگ روستانشین)
۱۰۳	مدل پیشنهادی مبادلات فیروزه در عصر مفرغ (روستاهای پیشرفته و آغاز شهرنشینی)
۱۰۴	مبادلات فیروزه در دوره‌ی تاریخی
۱۰۵	مدل و مسائل پیشنهادی مبادلات فیروزه در دوره‌های تاریخی
۱۰۶	مبادلات فیروزه از صدر اسلام تا دوره‌ی معاصر
۱۱۱	بخش دوم: تجزیه و تحلیل برهمکنش‌های فرهنگی و اجتماعی براساس نظریه‌ی شبکه
۱۱۶	بخش سوم: انسان‌شناسی فیروزه
۱۲۷	تعاریف و اصطلاحات
۱۳۱	اصطلاحات باستان‌شناختی
۱۳۵	کتاب‌نامه
۱۴۲	منابع لاتین
۱۴۴	منابع اینترنتی

به نام خالق زیبایی‌ها

علی بن مهران می‌گوید: «وارد خانه‌ی امام موسی کاظم (ع) شدم و در انگشتش انگشتی دیدم که نگین آن فیروزه بود و نقش آن (الله الملک) بود و من نگاهم به این نگین زیاد شد. حضرت فرمود: برای چه این قدر به این نگین می‌نگری؟ گفتم: روایتی به من رسیده که حضرت علی (ع) نیز چنین نگینی داشته است. حضرت فرمود: آن انگشتی را می‌شناسی؟ عرض کردم: نه. فرمود: این همان انگشت است. فرمود می‌دانی به چه علت این انگشت در دست من است؟ عرض کردم: نه. فرمود: این سنگی است که جبرئیل (ع) به حضرت رسول (ص) داده است و وی آن را به امیرالمؤمنین هدیه کرد. بعد فرمود می‌دانی اسم این نگین چیست؟ عرض کردم: نه. فرمود نام فارسی آن فیروزه و به عربی این نگین را ظفر می‌نامند.» (ج ۲۲ بحار، ص ۷۰)

مؤسسه‌ی فرهنگی هنری «فرهنگ‌شهر فیروزه‌ای» دارای مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره ثبت (۳۶۴) است که همواره از کارشناسان متخصص در امور فرهنگی و هنری بهره گرفته و با بیش از سی سال سابقه‌ی درخشان در اجرای پروژه‌های متنوع در این زمینه، از جمله اجرای همایش‌ها، سمینارها، جشنواره‌های ملی و بین‌المللی، برگزاری نمایشگاه‌ها، تهیه‌ی فیلم‌های مستند و آموزشی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، طراحی و اجرای تبلیغات محیطی و رسانه‌ای، تألیف و چاپ کتاب، طراحی و انتشار نشریه، بولتن خبری، روزنامه، ماهنامه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، گل‌گشت‌های تربیتی و آموزشی، مشاوره‌های تبلیغاتی و روابط عمومی، تهیه و تولید مواد و کالاهای فرهنگی آموزشی و اطلاع‌رسانی و خدمات نرم‌افزاری رایانه‌ای، در خدمت مردم شریف و فهیم شهرستان‌های نیشابور و فیروزه بوده است.

جای بسی خرسندی است که چاپ نخست کتاب فیروزه و فرهنگ با حمایت مستقیم مؤسسه‌ی فرهنگی هنری فرهنگ‌شهر فیروزه‌ای منتشر می‌شود و این مؤسسه از پژوهشی تاریخی و فرهنگی حمایت می‌کند.

امید است حمایت‌هایی این چنین گامی هرچند کوچک در جهت رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران اسلامی بوده، پژوهش‌های کاربردی را در پی داشته باشد و جامعه‌ی فرهنگی را از آثار پژوهشی خلاقانه و روزآمد بهره‌مند سازد.

کارشناسان و مدیران این مؤسسه حمایت از این اثر ارزشمند را افتخار خود می‌دانند و به‌ره‌وری بهینه از پژوهش‌های دانشگاهی، علمی-پژوهشی و فرهنگی هنری را با هدف فرهنگ‌سازی و فعالیت فرهنگی مدنظر دارند. این مؤسسه‌ی غیرانتفاعی، با حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های فرهنگی، به‌نوبه‌ی خود، قصد دارد سهمی هرچند کوچک اما مؤثر و پایدار در توسعه و گسترش و تقویت فرهنگ داشته باشد و «فیروزه» از منظر این مؤسسه محملی برای اشاعه‌ی فرهنگ پُر بار ایران اسلامی است. گرچه شناخته‌شده‌ترین کانسار فیروزه در روستای معدن شهرستان فیروزه واقع شده و از دیرباز نام آن با نام «نیشابور» و خراسان هم‌آیند است، از نظر فرهنگی و در منظر فرهیختگان و پژوهشگران این مرز و بوم نمی‌توان آن را محدود و منحصر به جای خاصی کرد؛ چراکه فیروزه و میراث گران‌سنگ آن، متعلق به بشریت و متعلق به همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی نسل‌های گذشته، حال و آینده است.

در پایان از خوانندگان محترم تقاضا داریم، با در میان گذاشتن نظرات و پیشنهادات خود از طریق پست الکترونیک Farhangsharfiroze@yahoo.com ما را در رسیدن به اهداف مؤسسه که همان اعتلای فرهنگ عمومی «فرهنگ شهرمان» است یاری رسانند. امیدواریم این اثر قدمی در راستای اعتلای فرهنگ والا و غنی کشورمان محسوب و در کتاب حسنات اعمال مان ثبت شود.

ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم

مروى / حامى مالى

مدیرعامل مؤسسه‌ی فرهنگ‌شهر فیروزه‌ای

آبی، آبی فیروزه‌ای، آبی، آبی نفتی، آبی، آبی آسمانی و... طیف‌های مختلف رنگ آبی‌اند. فیروزه‌ای، فیروزه، سنگی که سوغات نیشابور است و آن قدر در میان مردم مشهور که یکی از طیف‌های رنگ آبی را به نام آن می‌خوانند؛ سوغاتی بادوام و فاسدشدنی، نگین خوش‌نام خراسانی که از قضا در باورهای عامیانه خوش‌یمن هم هست. روشنایی بخشنده‌ی چشم‌هاست و در عین حال، بازدارنده‌ی اثر چشم‌زخم! حافظ آشکار و پنهان، خاصه برای کودکان و بسیاری صفات دیگر. این‌ها همه باورهایی است که کاربرد و مفهومی فرهنگی به فیروزه می‌بخشد و با فعالیت‌های معدن‌کاوانه رگه‌های آبی و سبزرنگ آن از اعماق زمین در بین صخره‌های سخت به عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی آورده می‌شود.

فیروزه خود رگه‌های کم‌قطر سنگی است که در بافت صخره‌های مس‌دار شکل می‌گیرد. رگه‌هایی آبی و سبز که گاه در سطح زمین نیز در دسترس بوده است. اما در زمان معاصر عموماً از اعماق زمین کاویده و به سطح آورده می‌شود. آن چه در اعماق کاوش می‌شود رگه‌هایی است رنگی در بین سنگ‌های تیره و این هنر فیروزه‌تراش است که از آن، انواع و اقسام نگین‌ها را با رنگ‌ها و شکل‌های مختلف می‌سازد. براق می‌کند، جلا می‌بخشد، می‌آراید تا انسان تن خود را با آن آذین بندد.

فیروزه، بدون فرهنگ پشستیان آن و بافت فرهنگی آن، سنگی معمولی است. بدون تاریخ و پیشینه‌ی پُر بارش ریشه‌ای است پنهان بدون ساقه و شاخ و برگ. فیروزه در بافت فرهنگی ما انسان‌هاست که معنی می‌شود، مفهوم می‌یابد، نماد و سنبل می‌شود و در جاری پُر خروش زندگی انسان‌ها، می‌چرخد و می‌درخشد و رنگ می‌بخشد. فیروزه در بافت فرهنگی انسان‌ها دوام می‌آورد، سوغات می‌شود، یاد و خاطره‌ها را با خود به این سوی و آن سوی جامعه‌ی انسانی می‌برد و می‌آورد. فیروزه با رنگ، فیروزه با شکل هندسی نگین‌های تراشیده‌شده، فیروزه با فرهنگ، فیروزه با باورهای مفهوم‌ساز انسان‌ها از گذشته‌ی دور تا همین امروز، مانده، معنا بخشیده و آذین‌بخش انسان‌ها و بدن‌ها و فضاهایشان بوده است.

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از راهنمایی‌های راهگشای استاد گران‌قدر جناب آقای دکتر حسن طلایی در فرآیند پژوهش و همچنین از همراهی‌ها و پشتیبانی‌های آقایان مهندس حامد فضلیانی و مهندس مافی از معدن فیروزه‌ی نیشابور و جناب آقای علی‌اکبر کرمی از سهامداران همان معدن صمیمانه تشکر کنند. در کنار آن، از آقای مهندس جعفر صبوری و سرکار خانم مهندس امامی جعفری از سازمان زمین‌شناسی کل کشور که در تهیه‌ی برخی از منابع و گزارش‌ها یاری نمودند بسیار سپاسگزاریم. همچنین قدردان آقایان

دکتر محمدمین امامی و دکتر مرتضی حصارى هستيم که شکل اولیه‌ی پژوهش را مرور کردند. انتشار این کتاب بدون حمایت‌های مالی مؤسسه‌ی «فرهنگ‌شهر فیروزه‌ای» و مدیرعامل فرهنگ‌دوست آن، جناب آقای مروی و آقای آرش گاراژیان و بدون دقت‌نظر و فعالیت‌های حرفه‌ای انتشارات «حکمت کلمه»، جناب آقای یوسف انصاری، ممکن نبود؛ از دو مؤسسه‌ی یادشده و دست‌اندرکاران دلسوز آن‌ها صمیمانه قدردانی می‌کنیم. روشن است که مسئولیت همه‌ی کاستی‌ها و کمبودهای متن پیش رو چه از نظر روشن‌شناسی و چه از نظر علمی برعهده‌ی نویسندگان است. ضمن این‌که نویسندگان از نقد و نظرهای پژوهشگران و فرهیختگان ارجمند استقبال می‌کنند.

عمران گاراژیان و فرزانه لطفی قرائی
تابستان ۱۳۹۴ خورشیدی

www.ketab.ir

فیروزه کانی‌ای قیمتی و نیمه‌قیمتی است. رنگ آن طیف‌هایی از آبی، سبز و حتی سفید است. کانی فیروزه در بسیاری از نواحی رخ‌نمون سطحی دارد که به صورت رگه‌ای تا اعماق زمین ادامه پیدا می‌کند. این ویژگی شکل‌گیری فیروزه باعث شده است دسترسی به این سنگ برای ساکنان مناطق هم‌جوار با منابع فیروزه بسیار آسان باشد. از این روی فیروزه هزاران سال است که با فرهنگ انسانی در بخش‌های مختلف جهان درآمیخته است.

فرهنگ معرف‌های مختلفی دارد و از منظرهای متفاوت نگریسته می‌شود. در این کتاب البته مراد از فرهنگ فعالیت‌های انسان و نمود آن است؛ فرهنگ یعنی فن‌آوری، مدیریت محیط‌زیست و طبیعت، فرهنگ یعنی وجه تمایز انسان، یعنی «تجربه‌ی زیسته»ی انسان.

فرهنگ را می‌توان در بافت‌های مختلف، با انسان یا بدون او، مشاهده کرد و مورد مطالعه قرار داد. رایج‌ترین شکل فرهنگ در بافت زنده، یعنی در بین انسان‌ها، در جامعه‌ی معاصر مشاهده می‌شود. فرهنگ اضافه بر این در بافت مُرده نیز، از طریق نموده‌های آن، قابل مطالعه است. بحث «مواد فرهنگی» از این‌جا وارد فرهنگ می‌شود. دو بافت زنده و مُرده دو نهایت هستند که در بین آن‌ها می‌توان بافت‌هایی را طبقه‌بندی کرد که به تازگی خالی از سکنه شده‌اند.

بافت مکان و فضایی است برای ظهور و بروز یکی از مؤلفه‌های فرهنگ. از دیگر مؤلفه‌های فرهنگ زمان است. در عالم واقع، زمان را بدون مکان و مکان را بدون زمان نمی‌توان بررسی کرد! پس آن‌گاه که درباره‌ی فرهنگ بحث می‌کنیم، بحث بافت یعنی مکانیت آن و زمان یعنی تاریخت آن طرح می‌شود. مراد از «بافت زنده» مکانی است در زمان معاصر که فاعل فرهنگ یعنی انسان در آن زنده و فعال است. اما آن‌گاه که سخن از «بافت مرده» است مراد مکان یا اشیاء، اطلاعات یا یافته‌هایی است که متعلق به زمانی در گذشته‌اند. در بافت مرده، فاعل انسانی نیز همچون خود بافت فعال نیست. اگر آثار و نشانه‌های فرهنگ انسان‌ها پس از زندگی‌شان مطالعه و بررسی شود، آن‌گاه بافت مرده مورد ارزیابی قرار گرفته است.

بافت مرده، زنده و طیف‌های بین آن، دید بلندمدت ما در مورد فرهنگ را شکل می‌دهند. به عبارت دیگر فرهنگ فقط آن‌چه در بافت زنده و در زمان معاصر مشاهده می‌شود نیست. همچنان که فرهنگ صرفاً بافت مُرده و گذشته هم نیست. به مقوله‌ی فرهنگ در این کتاب از منظری بلندمدت نگریسته شده است؛ یعنی ترکیبی از آن‌چه در بافت زنده و مُرده و طیف‌های بین آن قابل درک است.

فرهنگ به مثابه «تجربه‌ی زیسته» بحثی دیگری را به میان می‌آورد که با نگاه بلندمدت به فرهنگ هم‌راستا نیست، اما به نظر می‌رسد با آن جمع می‌شود. از نظر گروهی از فلاسفه، از جمله ویلهلم دیلتای، که قائل به استقلال علوم انسانی از علوم طبیعی بود، فرهنگ جز در بافت زنده قابل مطالعه و مشاهده نیست. «تجربه‌ی زیسته» یعنی تجربه‌ای که در بلندمدت به دست آمده و به جامعه‌ی معاصر و انسان‌های زنده به ارث رسیده است. گویا از نظر این گروه از فلاسفه که رویکردشان در نهضت فرامدرن مورد توجه قرار گرفته، بخش عمده‌ی مؤلفه‌های فرهنگی صرفاً در بافت زنده قابل درک و فهم است. در این پژوهش در همه‌ی بخش‌ها از رویکر فوق تبعیت شده و بافت زنده و معاصر مبنا قرار گرفته است و بحث با آن آغاز می‌شود.

فیروزه در این پژوهش حداقل از دو منظر بررسی خواهد شد. در فصل‌هایی آن را به‌عنوان ماده‌ای طبیعی و از منظر علوم طبیعی مورد بررسی قرار می‌دهیم. فصل سوم از این جمله است. اما در برخی فصل‌ها، از جمله فصل اول، دوم و پنجم، آن را به‌عنوان «ماده‌ی فرهنگی»، با نگاه به مبحث فرهنگ در همین پیش‌گفتار، بررسی می‌کنیم. از منظر ما بین این دو دیدگاه تفاوت‌های اساسی وجود دارد. البته دیدگاه‌هایی نیز هستند که در این میان قرار می‌گیرند که در فصل چهارم با موضوع معدن‌کاوی، فرآوری و فن‌آوری به آن خواهیم پرداخت.